

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تہیہ و تنظیم:
گروہ پژوهش مؤسسہ بیان معنوی

بیان معنوی

فهرست

۴	متن خطبه با ترجمه مقابل
۴	ستایش خداوند، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا
۷	هدف از آفرینش
۸	فلسفه ثواب و عقاب
۹	شهادت به رسالت حضرت محمد(ص)
۱۱	وضع مردم قبل و بعد از بعثت
۱۳	وفات رسول خدا(ص)
۱۴	قرآن میراث پیامبر(ص) در میان امت
۱۷	اسرار عبادات و احکام دین
۲۱	معرفی خود و خدمات پیامبر(ص)
۲۵	حقارت مردم قبل از اسلام
۲۷	علی(ع) و فداکاری‌های او
۲۹	سرزنش رفاه‌طلبان و فتنه‌گران
۳۰	ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر(ص)
۳۲	غصب خلافت
۳۶	آری، شما سوار بر ناقه خلافت شدید
۳۸	دادخواهی درباره غصب فدک در برابر ابوبکر
۴۳	عذاب قیامت برای غاصبان
۴۴	سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان
۴۹	و آنچه در کتاب خداست، این است
۵۰	حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی‌کنید؟
۵۷	هشدار به غاصبین خلافت
۵۹	پاسخ ابوبکر
۶۱	هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان
۶۴	متن فارسی خطبه
۸۷	متن عربی خطبه

علامه طبرسی در کتاب احتجاج، به نقل از عبدالله بن حسن، نواده امام حسن مجتبی (ع)، از پدرانش چنین نقل می‌کند: «هنگامی که خبر غصب فدک به حضرت زهرا (س) رسید، لباس بر تن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان به سوی مسجد روانه شد، به مسجد پیامبر (ص) وارد شد، و در پشت پرده‌ای نشست و ناله‌ای سرداد. مردم به گریه افتادند و مجلس به خروش آمد و منقلب شد. حضرت لحظاتی سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش آنها آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود، و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

ستایش خداوند، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا

ستایش سزاوار خدا است
برای نعمت‌هایی که عطا
فرمود.

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا
أَنْعَمَ

و شکر و سپاس سزاوار
اوست برای آنچه الهام
فرمود.

وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا
أَلْهَمَ

و درودها شایسته اوست
برای آنچه از پیش عطا
فرمود.

وَالْتَّائِبُ بِمَا قَدَّمَ

از نعمت‌های گسترده‌ای
که آغاز نمود،

مِنْ عُمْومِ نِعَمٍ
ابْتَدَأَهَا

و روزی‌های فراوانی که
ارزانی داشت،

وَسُبُوحِ الْآلَاءِ أَسْدَاها

و عطایای ارزشمندی که
پی در پی افزود.

وَتَمَامِ مِنْنٍ وَالْآها

آلاء: نعمت‌ها، آشدی: بخشید، والا (اولی): بخشید، پی در پی

جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ فراتر از آنکه شمارش
عَدَدُهَا شوند،

وَنَأَى عَنِ الْجَزَاءِ و ماندگارتر از آنکه قابل
أَمَدُهَا بازگشت و جبران باشند.

وَتَفَاوَتْ عَنِ و پایانش، فراتر از آنکه
الْإِدْرَاكِ أَبَدُهَا قابل ادراک باشد.

وَنَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا و برای ازدیاد نعمت‌ها،
بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا آنها را به شکر خویش
فراخوانده،

وَاسْتَحَمَدَ إِلَى و برای تکمیل آنها مردم
الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا را به ستایش خود دعوت
نموده،

وَتَنَّى بِالنَّدَبِ إِلَى و برای بدست آوردن امثال
أَمْثَالِهَا آنها، باز هم تشویق فرموده
است.

تَأْنِي: دور است، أَمَد: غایت و پایان، تَفَاوَتْ: دور شد، نَدَب: فراخواند، إِجْزَال: زیاد کردن،
بخشش فراوان، تَنَّى: دوباره تکرار کرد

وَشَهِدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

و شهادت می دهم که
معبودی جز خدای
یکتای بی شریک نیست.

كَلِمَةً جَعَلَ
الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا

سخنی که مصداق
خارجی آن را اخلاص قرار
داده،

وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ
مَوْصُولَهَا

و روح آن را به قلبها
پیوند داده،

وَأَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ
مَعْقُولَهَا

و ادراک عقلی آن را به
روشنی برای عقول میسر
کرده.

الْمُتَنِعُ عَنِ
الْأَبْصَارِ رُؤْيَاهُ

چرا که دیدنش با چشمها
غیر ممکن،

وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ

و بیان اوصافش با زبان،
محال،

وَمِنَ الْأَوْهَامِ
كَيْفِيَّتُهُ

و درک چگونگی او در
پندار، ممتنع است.

ضَمَّنَ: ضمیمه کرد، أَنَارَ: روشن کرد

هدف از آفرینش

خداوند اشیاء را تازه آفرید،
نه از چیزی که موجود
باشد.

إِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا
مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا

و ایجادشان کرد، نه با
پیروی و تقلید از چیزی.

وَأَنْشَأَهَا بِلَا احْتِذَاءٍ
أَمْثَلَةٍ أَمْثَلَهَا

و با قدرت خویش هستی
بخشید،

كُونَهَا بِقُدْرَتِهِ

و آنها را تکثیر و پراکنده
ساخت، آنچنان که
خواست.

وَذَرَّاهَا بِمَشِيتِهِ

بی آنکه به آفرینش آنها
نیازی داشته باشد،

مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ
إِلَى تَكْوِينِهَا

یا از صورت بندی آنها
سودی برده باشد؛

وَلَا فَايْدَةَ لَهُ فِي
تَصْوِيرِهَا

أَنْشَأَ: ایجاد کرد، إِخْتِذَاءً: پیروی کردن، اِقْتِبَاسٌ، كَوْنٌ: به وجود آورد، ذَرَّأَ: تکثیر و بذریه‌پاشی کرد، مَشِيتٌ: خواست

جز آنکه حکمتش را به
اثبات رسانده،

إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ

و مردم را به اطاعت خود
توجه داده باشد،

وَتَثْبِيهَا عَلَى
طَاعَتِهِ

و قدرتش را از این دریچه
ظاهر نموده،

وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ

و زمینه پرستش را برای
مخلوقاتش فراهم آورده
باشد،

وَتَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ

و به دعوت پیامبران
قوت بخشیده باشد.

وَإِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ

فلسفه ثواب و عقاب

سپس برای اطاعتش
پاداش مقرر فرمود،

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى
طَاعَتِهِ

و برای معصیتش کیفرها
وضع نمود؛

وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى
مَعْصِيَتِهِ

تثبیه: متوجه کردن

تا بندگان را از خشم
و عذاب انتقام خود دور
کند،

ذِيَادَةً لِّعِبَادِهِ مِنْ
نِقْمَتِهِ

و آنها را به سوی بهشت
خودش سوق دهد.

وَحْيَاشَةً لَهُمْ إِلَى
جَنَّتِهِ

شهادت به رسالت حضرت محمد (ص)

و گواهی می دهم که پدرم
محمد، بنده و فرستاده
اوست.

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

او را پیش از آنکه او را
بفرستد انتخاب کرد،

إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ

و پیش از آنکه انتخاب
کند نشانه کرد،

وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ
اجْتَبَاهُ

و پیش از آنکه او را به
پیامبری برانگیزد گزینش
کرد.

وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ
إِبْتَعَثَهُ

حِیَاشَة: سوق دادن، سَمَّاء: نشانه کرد، ذِيَادَةً: دور کردن

در حالی که مخلوقات،
هنوز در عالم غیب پنهان
بودند،

إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ
مَكْنُونَةٌ

و در پوشش اصلاب و
ارحام، محفوظ بودند،

وَبِشْرِ الْأَهْوِيلِ
مَصُونَةٌ

و با مرز نیستی همنشین
بودند.

وَبِنِهَايَةِ الْعَدَمِ
مَقْرُونَةٌ

دلیل انتخاب
پیامبر (ص)، علم خداوند
متعال به آینده دوران،

عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى
بِمَائِلِ الْأُمُورِ

و احاطه کامل او به
حوادث روزگاران،

وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ
الدُّهُورِ

و شناخت کامل او به
مقدّرات جهان بود.

وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ
الْمَقْدُورِ

خداوند پیامبر (ص) را
مبعوث فرمود، برای به
انجام رساندن برنامه اش،

إِبْتَعَثَهُ اللَّهُ إِتْمَامًا
لِأَمْرِهِ

أَهاوِیل: شدید و ترس آور

وَعَزِيمَةً عَلَىٰ إِمْضَاءِ
و اراده قطعی بر ابلاغ و
حُکْمِهِ
اجرای تصمیمش،

وَانْفَاذًا لِمَقَادِيرِ
و عملی کردن مقدرات
حَتْمِهِ
حتمی اش.

وضع مردم قبل و بعد از بعثت

فَرَأَى الْأُمَمَ فِرْقًا فِي
او مردم را مشاهده کرد، هر
أَدْيَانِهَا
فرقه ای دینی را برگزیده،

عُكْفَاءَ عَلَىٰ نِيرَانِهَا
برخی به خلوت نشینی و
عبادت در آتشکده اند،

عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا
برخی مشغول پرستش
بت های تراشیده اند،

مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ
و با اینکه او را به خوبی
می شناسند، خدا را انکار
عِرْفَانِهَا
می کنند.

عَزِيمَةً: اراده قطعی، عُكْفَاءَ (عاکف، عکف): پیوسته در کنار چیزی بودن، نیران (نار): آتش،
أَوْثَان (وثن): بت ها

خداوند با نور پدرم
محمد، تاریکی‌هایی که
حاکم شده بود را زدود،

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ
ظُلُمَهَا

و پرده‌های ابهام را از قلب
آنها کنار زد،

وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ
بُهِمَهَا

و تیرگی‌ها را از مقابل
چشم‌ها برطرف ساخت،

وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ
غُمَمَهَا

و در میان مردم به هدایت
برخاست.

وَقَامَ فِي النَّاسِ
بِالْهُدَايَةِ

تا اینکه آنها را از گمراهی و
خرافات نجات داد،

فَأَنقَذَهُمْ مِنَ
الْغَوَايَةِ

و به جای کوردلی، آنها را
روشن بین نمود،

وَبَصَّرَهُمْ مِنَ
الْعَمَايَةِ

و به دین استوار و با قوام
هدایت فرمود،

وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ
الْقَوِيمِ

بُهِمَ: مبهم و پیچیده، جَلَّى: روشن ساخت، غُمَمَ (غُمَّه): پوشیده، أَنْقَذَ: نجات داد، غَوَايَةِ: گمراهی، عَمَايَةِ: کوری

وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ
وَأَنهَآ رَآبِه رَآه رَآسْت
دُعُوتِ نَمُود.

وفات رسول خدا(ص)

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ
أَنگَآه خدَا رُوحِ اَو رَا بَه
سُوی خُویْش کَشید،

قَبْضَ رَافَةٍ وَاخْتِيَارٍ وَ
بَا لُطْفِ وَ مَحَبَّتِ، وَ اخْتِيَارِ
وَ اشْتِيَاقِ وَ انْتِخَابِ.

فَمَحَمَّدٌ مِنْ تَعَبٍ
اَكُنُونِ مُحَمَّدٍ (ص) اَز رَنْجِ
هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ
اين دُنْيَا رَآحْتِ شُدِه،

قَدْ حُفَّ
فَرَشْتِگَانِ بَرْتَرِ اَو رَا دَر مِیَانِ
بِالْمَلَائِكَةِ الْآبَرَارِ
گُرفْتِه،

وَرِضْوَانِ الرَّبِّ
وَ رِضْوَانِ پَرُورْدِگَارِ آمَرَزَنْدِه
الْغَفَّارِ
اَو رَا دَر بَرِ گُرفْتِه،

وَمُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ
وَ دَر هَمْسَايِگِیِ فَرْمَانِروایِ
الْجَبَّارِ
چِیرِه جَایِ گُرفْتِه اَسْت.

ايشان: ترجیح دادن، حُفَّ: در بر گرفته شده

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي
نَبِيِّهِ وَأَمِينِهِ
پیامبر (ص) و امین او،
درود خدا بر پدرم،

و خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ
صَفِيِّهِ
و بهترین مردمان و برگزیده
او،

و السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
و سلام و رحمت و برکات
خداوند بر او.

قرآن میراث پیامبر (ص) در میان امت

ثُمَّ التَّفَتُّ إِلَى أَهْلِ
الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ:
سپس رو به اهل مجلس
کرد و فرمود:

أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ
نُصِبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ
شما بندگان خدا،
مخاطبان او و امر و نهی او،

وَ حَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ
و حاملان دین و وحی او،

وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى
أَنْفُسِكُمْ
و امانت داران خدا نسبت
به یکدیگر،

نُصِبُ: هدف، نشانه

و رسانندهٔ پیام او به
امّت‌های دیگر هستید.

وَبُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ

پرچمدار و حافظ حقّ او
در میان شماست،

وَزَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ
فِيكُمْ

و عهدنامه‌ای که برایتان
فرستاده،

وَعَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ

و یادگاری که بر شما
حاکم کرده نزد شماست.

وَبَقِيَّةٍ اسْتَخْلَفَهَا
عَلَيْكُمْ

کتاب گویای خداوند و
قرآن راستگو،

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ
الْقُرْآنُ الصَّادِقُ

نوری تابنده، و روشنایی
درخشنده،

وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَ
الضِّيَاءُ اللَّامِعُ

دلایل روشن و اسرار
باطنی اش هویدا،

بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ
مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ

زَعِيم: پیشوا، رهبر، بَصَائِر (جمع بصیرت): بینش، مُنْكَشِفَةٌ: ظاهر و آشکار

مُنْجَلِيَّةً ظَوَاهِرُهُ
مُغْتَبِطَةً بِهِ أَشْيَاعُهُ
زیبایی هایش جلوه‌کننده،
و رهروانش مورد غبطه،

قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ
إِتِّبَاعُهُ
پیروی اش باعث رسیدن
به رضوان الهی است،

مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ
اسْتِمَاعُهُ
و شنوندگانش را به راه
نجات کشانیده است.

بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ
الْمُنَوَّرَةُ
از طریق قرآن می‌توان به
حجت‌های روشن خدا
رسید،

وَعَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةُ وَ
مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ
و واجباتی که در آن
تشریح شده و محرماتی
که منع شده،

وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَ
بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ
و دلایل روشنگرانه و
برهان‌های قانع‌کننده،

مُنْجَلِيَّة: جلوه‌گر، مُغْتَبِطَة (غبطه): مورد حسرت، أَشْيَاع: پیروان، مُؤَدِّ: رساننده، تُنَالُ (نیل): رسیدن، عَزَائِم: واجبات، مُحَذَّرَة: منع شده، جَالِيَّة: روشن‌کننده

و فضائل پسندیده و
رخصت‌ها و مباح‌های
مرحمت شده،

وَفَضَائِلُهُ الْمَنْدُوبَةُ وَ
رُخْصَتُهُ الْمَوْهُوبَةُ

و دستورات و احکامی که
واجب شده را به دست آورد.

و شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ

اسرار عبادات و احکام دین

خداوند ایمان را مقرر فرمود
برای پاکی شما از شرک،

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ
تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ
الشِّرْكِ

و نماز را مقرر فرمود برای
دوری شما از کبر و
خودخواهی،

و الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ
عَنِ الْكِبْرِ

و زکات را برای پاکیزگی
نفس و افزایش روزی،

و الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً
لِلنَّفْسِ وَنِمْاءً فِي الرِّزْقِ

و روزه را برای تحکیم
اخلاص و پایداری،

و الصِّيَامَ تَثْبِيثاً
لِلْإِخْلَاصِ

الْمَنْدُوبَةُ: توصیه شده، مستحب، رُخْصَةُ: اجازه داده شده‌ها، تَنْزِيهِه: دور کردن، نِمْاء (نُمُو): رشد کردن

وَالْحَجَّ تَشِيداً
لِلدِّينِ
و حج را برای شکوه دین و
استواری،

وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً
لِلْقُلُوبِ
و عدالت را برای پیوند
قلب‌ها و همبستگی،

و طَاعَتَنَا نِظَاماً
لِلْمِلَّةِ
و اطاعت ما خاندان را
برای نظم و هماهنگی،

و إِمَامَتَنَا أَمَاناً
لِلْفِرْقَةِ
و امامت ما را، برای ایمنی
از تفرقه و فروپاشی،

وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ
و جهاد را برای عزّت اسلام
و سربلندی،

وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى
اسْتِجَابِ الْأَجْرِ
و صبر را وسیله‌ای برای
شایستگی پاداش الهی،

و الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ
مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ
و امر به معروف را برای
مصلحت عموم مردم،

تَشِيد: استواری و پابرجایی، تَنْسِيق: همبستگی و انسجام

وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً
وَنِيكِي به پدر و مادر را
برای جلوگیری از غضب
الهی،

وَصِلَّةَ الْأَرْحَامِ
وَصِلَةُ رَحِم را برای افزایش
جمعیت و عمر طولانی،
مَنْسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ
مَنْمَاءً لِلْعَدَدِ

وَالْقِصَاصَ حَقْنًا
وَقِصَاص را برای حفظ
جان و پیشگیری از
خونریزی،
لِلدِّمَاءِ

وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ
وَوَفای به نذر را برای
کسب آمرزش الهی،
تَعْرِیضًا لِلْمَغْفِرَةِ

وَتَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ
وَوَزن را برای تغییر روحیه
و کامل دادن پیمانه و
کم فروشی،
وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا
لِلْبَخْسِ

وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ
وَنهی از شرابخواری را
برای دوری از پلیدی،
تَنْزِيهَاً عَنِ الرَّجْسِ

وَقَايَةً: محافظت در برابر، مَنْسَاءً: باعث طولانی شدن، مَنْمَاءً: وسیله رشد و نمو، حَقْنٌ: پاسداری، حفظ

وَاجْتَنَابَ الْقَذْفِ
و پرهیز از تهمت را برای
دوری از لعنت خداوندی،
حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ

و تَرَكَ السَّرِقَةَ اِجْبَاباً
و ترک دزدی را الزامی برای
مصونیت از لغزش قرار
داد. لِلْعِصْمَةِ

و حَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ
و خدا شرک را حرام فرمود
برای خلوص نسبت به او
در ربوبیت، اِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ

«فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ
تَقَاتِهِ
«پس تقوا پیشه کنید،
آنگونه که شایسته مقام
اوست،

وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ
مُسْلِمُونَ»
و از دنیا نروید، جز آنکه
تسلیم امر خدا باشید.»
(آل عمران/۱۰۲)

و أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا
أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ
عَنْهُ
و خدا را در آنچه به آن امر
و نهی شده اید اطاعت
نمایید،

قَذْف: تهمت زنا

چرا که «از میان بندگان
خداوند، تنها عالمان
در برابر عظمت خدا
متواضعند.» (فاطر/۲۸)

فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ
مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»

معرفی خود و خدمات پیامبر (ص)

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! آنگاه فرمود: ای مردم!

إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ همه بدانید، من فاطمه‌ام
أَبِي مُحَمَّدٍ و پدرم محمد است.

دوباره هم می‌گویم،
چنانکه در ابتدا هم بیان
نمودم،

أَقُولُ عَوْدًا وَبَدَأً

و آنچه را می‌گویم اشتباه
نمی‌گویم،

وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ
غَلَطًا

و در آنچه می‌کنم راه خطا
نمی‌پویم.

وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ
شَطَطًا

شَطَطًا: ناروا، ناحق

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ
مِّنْ أَنْفُسِكُمْ»
«همانا برای شما، پیامبری
از میان خودتان آمد،

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
حَرِصٌ عَلَيْكُمْ
که رنج و محنت شما بر
او دشوار، و بر نجات شما
مشتاق،

بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ
رَّحِيمٌ
و بر مؤمنان، رئوف و
مهربان است». (توبه/۱۲۸)

فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَتَعْرَفُوهُ
و اگر خاندان و نسب
او را جويا شوید و او را
بشناسید،

تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ
نِسَائِكُمْ
می یابید که او پدر من
است، نه پدر زنان شما،

وَآخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ
رِجَالِكُمْ
و برادر پسر عموی من
است، نه برادر مردان شما.

وَلَنِعْمَ الْمَعْزِي إِلَيْهِ
و چه افتخار و نیکو
نسبتی است، نسبت با او.

عَشْمٌ: به رنج و زحمت انداخته شما را، تَعَزَّوْهُ: نَسَب او را یاد کنی، الْمَعْزِي إِلَيْهِ: منسوب به او

فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ
او وظیفهٔ ابلاغ رسالتش را
به خوبی انجام داد،

صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ
آشکارا هشدار می داد،

مَائِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ
از راه و رسم مشرکین رو
المُشْرِكِينَ
می گرداند،

ضَارِباً ثَبَجَهُمْ
با نواختن بر شانه ها، مردم
را به پیش می راند،

آخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ
و از مقابل، آنها را
می کشید.

دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ
و با حکمت و اندرز نیکو
بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
به سوی پروردگار خود
الْحَسَنَةِ
فرامی خواند.

يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ
بت های سنگی و گلی را
می شکاند،

وَيَنْكُثُ الْهَامَّ
و اشراف و سران مشرک و
متکبر را سر می کوباند،

صَادِع: آشکار کننده، مَائِلاً عَنِ: رویگردان از، مَدْرَجَةِ: راه و روش، ثَبَجَ: پشت شانه، أَكْظَامَ: گریبان ها، أَصْنَامَ: بت ها، يَنْكُثُ: سرکوب کردن، هَامَّ: بزرگان

تا اینکه جمع آنها
شکست خورد و رو به
عقب گریختند،

حَتَّىٰ انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ
وَلَّوْا الدُّبُرَ

و صبح ایمان، تاریکی
کفر را شکافت و سر
برآورد،

وَتَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ
صُبْحِهِ

و حقیقت ناب به جلوه
درآمد،

وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ
مَحْضِهِ

و زمامدار دین به سخن
آمد،

وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ

و فریادهای شیاطین
خاموش گشت،

وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ
الشَّيَاطِينِ

و دورویی و فرومایگی اهل
نفاق فرونشست،

وَطَاخَ وَشِيطُ النِّفَاقِ

و همبستگی های کفر
و دشمنی و اختلاف به
پایان آمد،

وَانْحَلَّتْ عُقْدُ
الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ

انْهَزَمَ: شکست خورد، تَفَرَّى: کنار زد، أَسْفَرَ: آشکار شد، مَحْضُ: خالص، خَرَسَ: ساکت شد،
شَقَاشِقُ: غُرَش، طَاخَ: فرونشست، وَشِيطُ: فرومایه، انْحَلَّتْ: گشوده شد

وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةٍ
الْإِخْلَاصِ
و زبان به گفتن لا اله الا الله
گشودید،

فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ
الْخِمَاصِ
و با نفراتی رنگ پریده و
شکم خالی هم زبان شدید.

حقارت مردم قبل از اسلام

وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا
حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ
و اما پیش از این بر لب
پرتگاهی از آتش بودید،

مُدَقَّةَ الشَّارِبِ
همچون جرعه‌ای برای آنها
که دنبال نوشیدن اند،

وَنُهْزَةَ الطَّامِعِ
و فرصتی برای آنها که در
طمع شکارند،

وَقَبْسَةَ الْعِجْلَانِ
و پاره آتشی برای آنها که
دنبال ربودن آتش اند.

وَمَوْطِئِ الْأَقْدَامِ
و لگدکوب هر رونده،

فُهِتُمْ: گویا شدید، خِمَاصٍ: با شکم خالی، مُدَقَّةٌ: شیر رقیق شده با آب، نُهْزَةٌ: فرصت، شکار،
قَبْسَةٌ: هیزم نیم سوخته، مَوْطِئٌ: لگدکوب

تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ نوشنده آبهای آلوده و
گندیده،

وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ و خورنده گوشت های
خشکیده،

أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ و خوار و حقیر و رانده
بودید.

تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ
مِنْ حَوْلِكُمْ و پیوسته از اینکه مردمان
غارتگر شما را بربایند
می ترسیدید.

فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
بِمُحَمَّدٍ تا اینکه خدای تعالی شما
را به وسیله محمد (ص)
نجات داد،

بَعْدَ اللَّتَيَا وَالَّتِي بَعْدَ اللَّتَيَا وَالَّتِي و ناتوانی،
البته بعد از آن همه خواری

وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالِ و بعد از درگیری با مردان
بی باک و بی پروا،

تَقْتَاتُونَ (قوت): غذای خود قرار می دهید، أَذِلَّةٌ (ذلیل): خوار و زبون، خَاسِئِينَ (خاسیه): سرافکنده
و مطرود، يَتَخَطَّفَكُمُ (خطف): ربودن، مُنِيَ: گرفتار شد

وَذُؤْبَانِ الْعَرَبِ و دزدان بدبخت عرب،

وَمَرَدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ و متمردين نافرمان یهود و نصارا.

علی(ع) وفداکاری‌های او

كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَاراً
لِلْحَرْبِ هر زمان آتش جنگی
افروخته می شد،

أَطْفَأَهَا اللَّهُ خداوند آن را خاموش
می کرد.

أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ و یا هرگاه شاخ شیطان سر
برمی آورد،

أَوْ فَعَرَّتْ فَاغِرَةً مِنْ
الْمُشْرِكِينَ و یا فتنه‌ای از سوی
مشرکین دهان می گشود،

قَذَفَ أَخَاهُ فِي
لَهَوَاتِهَا پیامبر(ص)، برادرش
علی را در دهان معرکه
می انداخت،

ذُؤْبَان: دزدان و فرومایگان، مَرَدَة (مارد): افراد سرکش، أَوْقَدُوا: آتش افروختند، نَجَّمَ: پیدا شد،
سر برآورد، فَعَرَّتْ: دهان باز کرد، قَذَفَ: انداخت، لَهَوَات: گلو، عمق دهان

و او دست بردار نبود، و سر
از پا نمی شناخت،

فَلَا يَنْكُفِي

تا گوش آنان را کف پایش
می گذاشت،

حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا
بِأَخْمَصِهِ

و آتش فتنه را با آب
شمشیرش خاموش
می ساخت.

وَيُخَمِّدُ لَهَا بِسَيْفِهِ

در راه خدا بسیار سختی
کشیده،

مَكَدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ

در امر خدا بسیار
کوشیده،

مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ

مجاور و نزدیک به رسول
خدا،

قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ

سید و سالار و سروری از
اولیاء خدا،

سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ

لَا يَنْكُفِي: بر نمی گشت، يَطَأُ: زیر پا گذاشت، صِمَاخ: سوراخ گوش، أَخْمَص: فرورفتگی کف
پا، يُخَمِّدُ: خاموش می کرد

مُسْمِرًا نَاصِحًا مُجِدًّا
کادِحاً
آستین بالا و آماده،
خیرخواه، پرتلاش و
کوشنده،

لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ
لَوْمَةٌ لَّائِمٍ
و در راه خدا بی اعتنا به
سرزنش‌ها و ملامت‌ها بود.

سرزنش رفاه طلبان و فتنه‌گران

وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ
مِنَ الْعَيْشِ
اما شما در رفاه و آسایش
زندگی آرمیده،

وَادِعُونَ فَاكِهُونَ
آمِنُونَ
در شادمانی و امنیت با
خیال آسوده لم داده،

تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ
نشسته،
در انتظار دگرگونی روزگار
و حوادث ناگوار برای ما

وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ
و گوش به زنگ اخبار بد
درباره ما هستید،

وَادِعُونَ: آسوده، فَاكِهُونَ: شادمان، تَتَرَبَّصُونَ: در انتظار بسر می‌برید، دَوَائِرَ: دگرگونی روزگار،
تَتَوَكَّفُونَ: چشم به راه داشتید

وَتَنْكُصُونَ عِندَ
النِّزَالِ

و در هنگامه کارزار،
عقب نشینی می کنید،

وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ

و از جنگ و جهاد فرار
می کنید.

ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر (ص)

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ
دَارَ أَنْبِيَائِهِ

اما زمانی که خداوند،
برای پیامبرش سرای ابدی
پیامبران را اختیار کرد،

وَمَا أَوْى أَصْفِيَائِهِ

و آرامگاه همیشگی
برگزیدگانش را برای او
برگزید،

ظَهَرَ فَيْكُمُ
حَسَكَةُ النِّفَاقِ

کینه های درونی و علائم
دورویی شما ظاهر گردید،

وَسَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ

و جامه دین پوسید

وَنَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ

و گمراهان خشم فرو برده
به نطق آمدند،

تَنْكُصُونَ: عقب نشینی کردن، نِزَال: رویارویی در جنگ، حَسَكَةُ: کینه و دشمنی، سَمَلَ: پوسید، غَاوِينَ: گمراهان

و فرومایگان بی نام و نشان
سر بر آوردند و جلو آمدند،

وَنَبَغَ خَامِلٌ الْأَقْلَيْنِ

و نعره اهل باطل همچون
شتر مست نازپرورده به
غُرَش آمد،

وَهَدَرَ فَنِيقُ
الْمُبْطِلِينَ

و در صحنه اجتماع شما
به حرکت درآمد،

فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ

و شیطان سرش را از
مخفی گاهش بیرون کرد،

وَأَظْلَعَ الشَّيْطَانُ
رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَظِهِ

و شما را به سوی خود
دعوت کرد،

هَاتِفًا بِكُمْ

و شما را آماده پذیرش
دعوتش یافت،

فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ
مُسْتَجِيبِينَ

و شما را برای فریب
خوردن آماده دید.

وَاللَّغْرَةَ فِيهِ
مُلاحِظِينَ

هَدَرَ: غُرْغُر شتر، فَنِيق: نازپرورده شتر، خَطَرَ: جولان دادن، عَرَصات: فضاهای باز، أَظْلَعَ: سربرآورد، مَعْرَظ: مخفیگاه، غِرَّة: فریب و نیزنگ

آنگاه به تحریک شما برای
قیام پرداخت،

ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ

و شما را سبکبار و آماده
تحریک یافت،

فَوَجَدَكُمْ خِفَافاً

و شعله‌های خشم و کینه
را در درون شما روشن کرد،

وَاحْمَشَكُمْ

و آثار غضب را در شما
نمایان دید.

فَالْفَاكُمُ غِضَاباً

غصب خلافت

به شتری که از آن شما
نبود، علامت نهادید،

فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ

و به آبشخوری که حق
شما نبود وارد شدید.

وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ

(و به غصب حکومت
پرداختید)

مَشْرَبِكُمْ هَذَا

اسْتَنْهَضَ: تحریک کرد، خِفَاف: سبکبار، حَمَشَ: به خشم آورد، وَسَمَ: داغ کرد و
نشان زد

و هنوز از رحلت
پیامبر (ص) چیزی
نگذشته بود، وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ

و زخم این مصیبت هنوز
عمیق و باز بود، وَالْكَلَمُ رَحِيبٌ

و جراحات قلبی ما التیام
نیافته بود، وَالْجَرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ

و هنوز پیامبر (ص) به
خاک سپرده نشده بود، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ

شتاب زده (در تعیین
خلیفه) هرچه خواستید
کردید. اِبْتِدَارًا

ظاهرانگران هجوم فتنه‌ها
بودید (فتنه‌ها را بهانه کردید) زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ

«بدانید که خود در فتنه
فرو افتادند، «الَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا

و جهنم بر کافران احاطه
دارد.» (توبه/۴۹) وَإِنَّ جَهَنَّمَ
لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

کَلَم: زخم، رَحِيب: باز، لَمَّا يَنْدَمِلُ: بهبود نیافته بود

هیئات، از شما چنین
انتظاری نبود!

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ

شما را چه شده؟ و چه
می‌کنید؟

وَكَيفَ بِكُمْ

کجا؟ و چرا کج‌راهِه
می‌روید؟

وَإِنِّي تُوفِّكُونَ

با اینکه کتاب خدا پیش
روی شماست،

وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ
أَظْهَرُكُمْ

مطالبش نمایان، و
احکامش درخشان،

أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَ
أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ

و نشانه‌های هدایتش
تابان،

وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ

و منہیات آن پیدا و
اوامرش هویدا است.

وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ وَ
أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ

تُوفِّكُونَ (افک): به راه نادرست می‌روید، سربرآورد، زَوَاجِر (زاجرة): محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها،
لَائِحَة: نمودار

وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ
ظُهُورِكُمْ

اما شما آن را پشت سر
انداختید!

أَرَغْبَةً عَنْهُ تُلِيدُونَ؟

به راستی قصد دوری از
آن را دارید؟

أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ

و به غیر آن حکم
می‌کنید؟

بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

چه بد است برای ظالمان،
آنچه به جای قرآن
انتخاب کردند.

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ
الْإِسْلَامِ دِينًا

«و هرکس غیر از اسلام، راه
و رسمی انتخاب کند،

فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

قطعاً پذیرفته نخواهد بود،

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ
الْخَاسِرِينَ

و در آخرت در گروه
زیانکاران خواهد بود.»
(آل عمران/۸۵)

خَلَفْتُمُوهُ (خلف): پشت سر انداختید

آری، شما سوار بر ناقه خلافت شدید

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا
رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ
نَفَرْتُهَا

آنگاه درنگ نکردید، مگر
به اندازه‌ای که مرکب
خلافت رام شود،

وَيَسْلَسَ قِيَادُهَا

و مهار آن و تسلط بر
اوضاع آسان شود،

ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ
وَقَدَّتْهَا

دوباره آتش فتنه‌ها را
برافروختید،

وَتَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا

و شعله‌ها و شراره‌های آن
را پیوسته تحریک کردید،

وَتَسْتَجِيبُونَ
لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ
الْغَوِيِّ

و همواره دعوت شیطان
فریبکار را اجابت
می‌کنید،

لَمْ تَلْبَثُوا (لبث): درنگ نکردید، رَيْثَ: درنگ، مقداری از زمان، نَفَرْتُ (نَفَر): رم کردن، يَسْلَسَ: آسان و فرمانبردار شود، قِيَاد: افسار و لگام، ثُورُونَ: آتش می‌افروزید، وَقَدَّتْ: آتش‌زنی، جَمْرَة: شراره، اخگر، هَتَاف (هاتف): ندا، غَوِيّ: فریبکار

و به خاموش کردن
جلوه‌های انوار دین خدا
می‌پردازید،

وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ
الْجَلِيِّ

و در عمل به سنت‌های
پیامبر (ص) برگزیده
اهمال می‌کنید،

وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ
الصَّغِيِّ

و یواشکی کاسه شیر را تا
آخر سر می‌کشید، به این
بهانه که می‌خواهید کف
روی شیر را بگیرید.

تُسِرُّونَ حَسَوًا فِي
ارْتِغَاءٍ

و بر علیه خانواده و
فرزندان پیامبر (ص) قدم
برمی‌دارید،

وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ
وَلَدِهِ

آرام و مخفیانه، از پشت
نهانگاه‌ها، تپه‌ها و انبوه
درختان.

فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ

و باید تحمل کنیم، آنچه
از شما بر ماست،

وَنَصْبِرُ مِنْكُمْ

تُسِرُّونَ: یواشکی، پنهانی انجام می‌دهید، حَسَوًا: سرکشیدن، ارْتِغَاءٍ (رغوة): کف روی شیر
را خوردن

که همانند زخم دشنه بر
حنجره‌هاست،

عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى

و سوزش هنگام فرو رفتن
نیزه در دل‌هاست.

وَوَخَزِ السِّنَانِ فِي
الْحَشَا

دادخواهی دربارهٔ غصب فدک در برابر ابوبکر

و اکنون گمان می‌کنید که
ارثی برای ما نیست،

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ
أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا

«آیا همان سنت جاهلی را
دنبال می‌کنید؟»

«أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ
تَبْغُونَ

و چه حکمی از حکم
خدا برای اهل یقین بهتر
است؟» (مائده/۵۰)

وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ
حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»

آیا شما این مسائل را
نمی‌دانید؟ البته که
می‌دانید!

أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى

حَزِّ: بریدن، مُدَى: دشنه‌ها، وَخَزِ السِّنَانِ: سوزش فرو رفتن نیش نیزه، حَشَا: دل و روده، تَبْغُونَ: خواستن (به ناحق)

و همانند آفتاب
درخشنده برایتان
هویدا است که من دختر
پیامبر (ص) هستم.

قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ
كَالْشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ
أَنِّي ابْنَتُهُ

ای مسلمانان! سزاوار
است ارث من به زور از من
گرفته شود؟

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ!
أَأُغْلَبُ عَلَى ارْثِي؟

ای پسر ابی قحافه، آیا این
در کتاب خدا نوشته شده،

يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ!
أَفِي كِتَابِ اللَّهِ

که تو از پدرت ارث ببری
و من از پدرم ارثی نداشته
باشم؟

أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا
أَرِثَ أَبِي؟

چه سخن عجیب و
بی سابقه ای به هم
بافته اید!

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا
فَرِيًّا

آیا عمداً کتاب خدا را ترک
کرده اید،

أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمُ
كِتَابَ اللَّهِ

الصَّاحِيَةِ: درخشنده، شَيْئًا فَرِيًّا: چیز عجیب و نادرستی که به هم بافته باشند

وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ
ظُهُورِكُمْ
و آن را پشت سر
انداخته‌اید؟

إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ
سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»
قرآن می‌گوید: «سلیمان از
داود ارث بُرد» (نمل/۱۶)

وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ
خَبَرِ زَكَرِيَّا
و در داستان زکریا نیز
چنین است،

إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ
لَدُنْكَ وَلِيًّا»
آنجا که فرمود: «پروردگارا،
مرا فرزندی عنایت فرما

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ
آلِ يَعْقُوبَ»
تا از من و از خاندان
یعقوب ارث ببرد.»
(مریم/۵-۶)

وَقَالَ: «وَأُولُوا
الْأَرْحَامِ»
و در کتاب خدا فرمود: «و
خویشاوندان رحمی،

بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بَبَعْضٍ
فِي كِتَابِ اللَّهِ»
در ارث بعضی بر بعض
دیگر سزاوارترند.» (انفال/۷۵)

و فرمود: «خدا شما را به
ارث فرزندان سفارش
می کند

وَقَالَ: «يُوصِيكُمُ
اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ

که پسر دو برابر دختر بهره
می برد.» (نساء/۱۱)

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ
الْأُنثَىٰ»

و فرمود: «اگر مالی باقی
بماند،

وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا

به شایستگی برای پدران و
مادران و خویشان وصیت
شود،

الْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ وَ
الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ

که این حقی است
بر عهده پرهیزگاران.»
(بقره/۱۸۰)

حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»

و شما چنین گمان
بردید که برای من بهره ای
نیست،

وَزَعَمْتُمْ
أَنْ لَا حُظَّوَةٌ لِّي

و سهمی از ارث پدرم برای
من نیست،

وَلَا أَرِثُ مِنْ أَبِي

حُظْوَةٌ: بهره و نصیب

و نسبت خویشاوندی بین
ما نیست!

وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا

آیا خداوند آیه‌ای را
مختص به شما نازل کرده،

أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ

و پدرم را از حکم آن خارج
کرده؟

أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟

یا اینکه می‌گویید: پیروان
دو مذهب از یکدیگر ارث
نمی‌برند؟

أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ
أَهْلَ الْمِلَّتَيْنِ لَا
يَتَوَارَثَانِ؟

آیا من و پدرم از یک دین و
مذهب نیستیم؟

أَوَلَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ
أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟

آیا شما به عام و خاص
قرآن از پدر و پسر عموی
من داناترید؟

أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ
بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ
عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ
عَمِّي؟

عذاب قیامت برای غاصبان

فَدُونَكُهَا
حالا که چنین است، بگیر
(ارث من از آن تو)

مَخْطُومَةً مَّرْحُولَةً
همچون شتری مهارزده و
آماده استفاده است!

تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ
اما روزی که از خاک
برخیزی، تو را ملاقات
می کند،

فَنِعْمَ الْحَكَمُ لِلَّهِ
و چه نیکو داوری است
در آن روز خداوند،

وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ
و چه نیکو پیشوایی است
محمد (ص)،

وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ
و چه نیکو وعده گاهی
است قیامت.

وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسَرُ
و در آن زمان، اهل باطل
همگی زیان کار باشند،
الْمُبْطِلُونَ

مَخْطُومَةً: لجام زده، مهار شده، مَرْحُولَةً: زین کرده و آماده حرکت (به زین شتر رحل می گویند)

وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ
تَنْدَمُونَ

و پشیمانی در آن زمان
فایده‌ای ندارد.

«وَلِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ»

«و هر خبری که خدا داده
زمان وقوعی دارد،

وَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»

و به زودی خواهید
فهمید» (انعام/۶۷)

«مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ
يُخْزِيهِ»

«که عذاب خوارکننده بر
چه کسی فرود آید،

وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ
مُقِيمٌ»

و عذاب جاودانه بر چه
کسی روا باشد.» (زمر/۳۹)

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ
الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ:

آنگاه به سوی انصار نظر
کرد و فرمود:

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ

ای بزرگان و سروران امت،

وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ

و ای بازوان و حامیان
ملت،

وای پاسداران و حافظان
اسلام!

وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ!

این چه قصور و کوتاهی
است در حق من؟

مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي
حَقِّي

و این چه تسامحی است،
نسبت به دادخواهی من؟

وَالسِّنَّةُ عَنْ
ظُلَامَتِي؟

آیا پدرم رسول خدا
نمی فرمود:

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ
أَبِي يَقُولُ:

احترام هرکس در احترام به
فرزندانش باقیست؟

الْمَرْءُ يُحَفِّظُ فِي وَلَدِهِ

چه سریع، اوضاع را دگرگون
کردید،

سَرَّعَانَ مَا أَحْدَثْتُمْ

و چه زود به آنچه زمانش
نرسیده بود اقدام کردید،

وَعَجَّلَانَ ذَا إِهَالَةٍ

با اینکه شما توان آنچه را
دنبال آن هستم دارید،

وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا
أُحَاوِلُ

وَقُوَّةٌ عَلَىٰ مَا أَظْلَبُ
وَأَزْأَلُ

و قدرت حمایت از
خواسته و هدف مرا دارید.

أَتَقُولُونَ مَاتَ
مُحَمَّدٌ؟

آیا می‌گویید: دیگر محمد
مرده و همه چیز تمام شده؟

فَخَطَبٌ جَلِيلٌ

آری، مصیبتی بس بزرگ
رخ داده،

إِسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ

ضعف و سستی حاصل
از آن مصیبت فراگیر شده،

وَاسْتَنْهَرَ فَتَقَهُ

و شکاف ایجاد شده،
دامنه دار و بازتر شده،

وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ

و همبستگی ملت به
گسستگی تبدیل شده،

وَأُظْلِمَتِ الْأَرْضُ
لِغَيْبَتِهِ

و در غیبت پیامبر (ص)،
تاریکی همه جا را فرا گرفته،

وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَ
الْقَمَرُ

و خورشید و ماه گرفته و
کم فروغ شده،

إِنْفَتَقَ: پاره شده، رَتْقَ: همبستگی، به هم دوختن

وَانْتَشَرَتِ النُّجُومُ و ستارگان در مصیبت او
لِمُصِيبَتِهِ پراکنده گشته،

وَ أَكْذَتِ الْأَمَالُ و آرزوها به نومیدی
گراییده،

وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ و کوه‌ها سر فرود آورده،

وَ أَضِيعَ الْحَرِيمُ و حریم‌ها ضایع و
بی اعتبار شده،

وَ أُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ و با رفتن او دیگر حرمتی
عِنْدَ مَمَاتِهِ باقی نمانده است.

فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ به خدا سوگند که این
الْكُبْرَى است همان فاجعه کبیره،

وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، و همان مصیبت عظیمه،
لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ که به مانند آن نازل نشده،

وَلَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ و بلاى جانگدازى در این
سرا به پای آن نرسیده است.

إِنْشَرَّتْ: پراکنده شد، أَكْذَتِ: ناکام ماند، بَائِقَةٌ: بلاى جانگداز

أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ و البته کتاب خدای
اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ جلیل قبلاً از آن خبر داده؛

فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَ کتابی که در محضر
فِي مُمَسَاكُمُ وَ شماسست و هر صبح و
مُصْبِحِكُمْ شام می خوانید،

يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ و با صدای بلند و رسا
هُتَافاً وَ صُرَاخاً قرائت می کنید،

وَتِلَاوَةً وَ الْحَانَاءَ یا با لحن خوش تلاوت
می نمایید،

وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ و البته پیش از او نیز برای
بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ دیگر انبیای خدا اتفاق
افتاده،

حُكْمٌ فَصْلٌ وَ قِضَاءٌ حکمی است حتمی و
حَتْمٌ قضائی است قطعی.

أَفْنِيَّتُكُمْ: آستانه، محضر، هُتَاف: صدای بلند، صُرَاخ: فریاد

و آنچه در کتاب خداست، این است

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ
محمد، تنها فرستاده
خداست،

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ
الرُّسُلُ
که پیش از وی پیامبران
دیگری نیز بوده‌اند،

أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
انْقَلَبْتُمْ عَلَى
أَعْقَابِكُمْ
اگر بمیرد و یا کشته شود،
شما به عقب برمی‌گردید؟

وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى
عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ
شَيْئاً
البته هرکس به عقب
برگردد، کوچکترین زیانی
به خدا نمی‌رساند،

وَسَيَجْزِي اللَّهُ
الشَّاكِرِينَ
و خدا به زودی شاکران
را پاداش می‌دهد.»
(آل عمران/۱۴۶)

حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی کنید؟

هَان عَجِبَا! اَيُّ فِرْزَنَدَانِ
اِيْهَا بَنِي قَيْلَةٍ!

آيا حق من از ميراث پدرم
ظالمانه از من گرفته
می شود

وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِنِّي وَ
مَسْمَعٍ
در حالی که شما می بینید
و می شنوید؟

وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ
و در جلسات و مجامع
مخاطب هستید؟

تَلْبَسُكُمُ الدَّعْوَةُ
دعوت من شما را
فراموش می گیرد،

وَتَشْمَلُكُمُ الْخَبْرَةُ
و خبرها فراگیر است،

وَأَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ
الْعُدَّةِ
و نفرات و آمادگی کامل
دارید،

قَيْلَة: زنی با شرافت که نسب انصار به او منتهی می گردد، أَهْضَمُ: ظالمانه حق مرا غصب
کنند، مُنْتَدَى: در معرض ندا بودن، مَجْلِس، تَشْمَلُكُمْ: شامل شما می شود

و ابزار و نیروی کافی در
اختیارتان هست،

وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ

و سلاح جنگی و سپر هم
دارید،

وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَ
الْحِجَةُ

اما با اینکه به حد کفایت،
صدای دعوت به شما
می رسد، اجابت نمی کنید،

تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا
تُجِيبُونَ

و فریاد استغاثه به گوشتان
می رسد و فریادرسی
نمی کنید.

وَتَأْتِيكُمْ الصَّرِخَةُ
فَلَا تُغِيثُونَ

به جنگ آوری و بی باکی
زبانزدید،

وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ
بِالْكِفَاحِ

و به اهل خیر و صلاح
معروفید،

مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ
الصَّلَاحِ

و برجستگانی هستید که
انتخاب شده اید،

وَالنُّخْبَةُ الَّتِي
انْتُخِبَتْ

کِفَاح: جنگاوری

وَالْخَيْرَةُ الَّتِي
اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ

و اهل خیری هستيد كه
برای ما اهل بیت برگزیده
شده اید،

قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ

با جماعت عرب پیکار
کردید،

وَتَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ
التَّعَبَ

و متحمل رنج و خستگی
زیادی شدید،

وَنَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ

و با گردنکشان اقوام شاخ
به شاخ شدید،

وَكَافَحْتُمُ الْبَهْمَ

و پنجه در پنجه حریفان
سرسخت انداختید.

لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ

تا بود اینگونه بود كه باهم
حرکت می کردیم،

نَأْمُرُكُمْ فَتَاتِمُونَ

ما فرمان می دادیم و شما
فرمان می بردید،

نَاطَحْتُمْ: شاخ به شاخ شدید، بُهْم (بَهِمَّة): دلیران، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ: تا شما نمی آمدید، ما نمی رفتیم، بَرَح: حرکت از جایی به جایی، تحمل سختی

تا اینکه آسیای اسلام با
محوریت ما به گردش
درآمد و چرخید،

حَتَّىٰ إِذَا دَارَتْ بِنَا
رَحَى الْإِسْلَامِ

و شیر پستان روزگار و خیر
و برکت به فراوانی رسید،

وَدَّرَ حَلَبُ الْأَيَّامِ

و نعره‌های نخوت‌آمیز
شرک، کم‌کم به سردی
گرایید،

وَ خَضَعَتْ نَعْرَةُ
الشِّرْكِ

و فوران دروغ و تهمت
فروکشید،

وَسَكَتَتْ فَوْرَةُ
الِإِفْكِ

و آتش کفر به خاموشی
گرایید،

وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ
الْكُفْرِ

و دعوت به هرج و مرج و
آشوب کم‌کم بیارامید،

وَهَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرْجِ

و نظام دین انسجام یافت
و به سر و سامان رسید.

وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ
الدِّينِ

دارتِ بنا: به چرخش در آمد، بر محور ما، رَحَى: سنگ آسیاب، دَرَّ: فراوان شد، هَدَأَتْ: ساکت شد، اسْتَوْسَقَ: انسجام یافت

فَإِنِّي حُرْتُمْ بَعْدَ
الْبَيَانِ

چه شد که بعد از روشن
شدن حق چنین حیرانید؟

وَأَسْرَرْتُكُمْ بَعْدَ
الْإِعْلَانِ

و پس از آشکار شدن،
حقیقت را پوشیده
می‌دارید؟

وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ
الْإِقْدَامِ

و بعد از پیشقدمی،
عقب‌نشینی کردید؟

وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ
الْإِيمَانِ؟

و بعد از ایمان، راه شرک در
پیش گرفتید؟

بُؤْسًا لِّقَوْمٍ «نَكَثُوا»
أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ
عَهْدِهِمْ

بدا به حال مردمی که بعد
از اینکه پیمان بستند
سوگندهایشان را شکستند،

وَهُمُّوا بِإِخْرَاجِ
الرَّسُولِ

و در بیرون راندن
پیامبر (ص) اهتمام
کردند،

وَهُمْ بَدَّوْكُمْ أَوَّلَ
مَرَّةٍ

و نخستین بار، پیکار را
آنان شروع نمودند.

حُرْتُمْ: حیران شدید، حرتم: رویگردانید، نَكَصْتُمْ (نکص): عقب گرد، نَكَثُوا (نکث): عهد شکنی

آیا از آنها می‌ترسید؟ (چرا
با آنها مبارزه نمی‌کنید)

اتَّخَشَوْهُمْ

در حالی که سزاوارتر است
که از خدا بترسید، اگر اهل
ایمانید. (توبه/۱۳)

فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آگاه باشید، من چنین
می‌بینم که شما در
راحت طلبی زمین‌گیر
شده‌اید.

أَلَا وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ
أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ

و دور کردید کسی را که
سزاوارترین است

وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ
أَحَقُّ

به کم و زیاد کردن، و دخل
و تصرف و تدبیر امور،

بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ

و در گوشه فراغت به
آرامش روی آورده‌اید،

وَخَلَوْتُمْ بِالدَّعَةِ

و خود را از فقر و تنگنا، به
گشایش رسانده‌اید.

وَنَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ
السَّعَةِ

خَفَضَ: راحتی، دَعَا: فراغت

نتیجه آنکه، بیرون انداختید
آنچه را فراگرفته بودید،

فَمَجَّجْتُمْ مَا
وَعَيْتُمْ

و بالا آوردید آنچه را به
گوارایی فروبرده بودید.

وَدَسَعْتُمْ الَّذِي
تَسَوَّغْتُمْ

«پس اگر شما و هرکس در
روی زمین است کافر شود،

«فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ
مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً

خدا از همگان بی نیاز و
ستودنی است.» (ابراهیم/۸)

فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ»

آگاه باشید، آنچه لازم بود
بگویم را گفتم،

أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا
قُلْتُ هَذَا

با اینکه شما را می شناسم
و می دانم که یاری نکردن،
آمیخته با سرشت شماست،

عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي
بِالْخِذْلَةِ الَّتِي
خَامَرْتُكُمْ

تنها گذاشتن و وفا نکردن،
فراگیر قلوب شماست.

وَالْغَدْرَةِ الَّتِي
اسْتَشْعَرْتُهَا قُلُوبُكُمْ

مَجَّجْتُمْ (مِج): بیرون انداختن از دهان، وَعَيْتُمْ (وعاء): در خود جای دادید، دَسَعْتُمْ: قی کردید، تَسَوَّغْتُمْ (ساع): به آسانی فروبردن، خَامَرْتُكُمْ: با شما آمیخته شده، غَدْرٌ: پیمان شکنی، اسْتَشْعَرْتُ: پوشانیده است

وَلَكِنَّهَا فَيْضَةٌ
النَّفْسِ
ولی این شکوه‌ها سرریز
اندوه و نگرانی‌های متراکم
بود،

وَنَفَثَةُ الْغَيْظِ
و آه دلی خشمگین و
برافروخته،

وَاخْوَرُ الْقَنَاءِ
و سستی و ناتوانی
حامیانی برای تکیه،

وَبَثَّةُ الصَّدْرِ
و بروز غصّه‌های انباشته و
نهفته در سینه،

وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ
و اتمام حجّتی برای همه.

هشدار به غاصبین خلافت

فَدُونَكُمْوَهَا
حالا دیگر (خلافت) برای
شما، آن را بگیرید.

فَاَحْتَقِبُوها
اینک تنگ ببندید پالان
این ناقه را،

دَبْرَةَ الظَّهْرِ
که پشت او زخم دیده،

فیض: سرریز شدن، نفث: بیرون ریختن، آه، خَوَز: سستی، بَثَّة (بَثَّ): آشکار کردن و بیرون
ریختن غم

پایش تاول زده و ساییده
(و قابل سواری نیست)،

نَقَبَةُ الْخَفِّ

و ننگ آن باقی است،

بَاقِيَةُ الْعَارِ

و داغ غضب خدای توانا
برای او نشانه است،

مَوْسُومَةٌ بِغَضَبِ
الْجَبَّارِ

و رسوایی و بدنامی او
همیشگی و ابدی است،

وَشَارِ الْأَبَدِ

و سرانجام به آتش
بر افروخته الهی
خواهد رسید؛

مَوْصُولَةٌ بِنَارِ اللَّهِ
الْمُوقَدَةِ

آتشی که بر دل ها شعله
خواهد کشید.

الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى
الْأَفِيدَةِ

آنچه می کنید پیش چشم
خداست،

فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا
تَفْعَلُونَ

خَفِّ: کف پای شتر، مَوْسُومَةٌ: داغ و نشانه‌ای که بر حیوان می‌زنند شَتَارَ: عار و ننگ

«وَأَنَّا إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ فَلَمَّا ظَلَمُوا آيَ مَقَالِكُمْ إِشْرَكُوا فَأَسَمُوا الْأَسْمَاءَ الَّتِي كُنتُمْ تُعْبَدُونَ»
 «و آنانکه ستم کردند
 به زودی می دانند که
 بازگشتشان به کجاست.»
 (شعراء/۲۲۷)

وَمِنْهُمْ دَخَرُوا بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّا تِلْكَ الْأَشْجَارُ الَّتِي عَلَيْهَا كُنْتُمْ يُعْذَرُونَ فَلَمَّا كَذَبُوا الْوَعْدَ الْأَوَّلَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ الْوَعْدَ الْآخَرَ أَنَّهُمْ سَيَكُونُونَ خُذْرًا فَلَمَّا نَسُوا مَا وَعُودُوا خُذِرُوا وَقَتَلُوا أَبْنَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ كَاذِبِينَ
 و منم دختر پیامبری که
 به عذاب سختی که پیش
 روی شما است هشدار
 می داد.

فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ
 پس هرچه می خواهید
 بکنید، ما نیز به کار خود
 هستیم،

وَأَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ
 و منتظر باشید که ما هم
 در انتظاریم.

پاسخ ابوبکر

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: ابوبکر گفت:

صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَتْ ابْنَتُهُ
 خدا و پیامبرش راست
 گفته و دختر او هم راست
 گفته،

مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ وَ
مَوْطِنُ الْهُدَى وَ
الرَّحْمَةِ

معدن حکمتی و کانون
هدایت و رحمت،

وَرُكْنُ الدِّينِ وَعَيْنُ
الْحُجَّةِ

و رکن دین و شریعت، و
چشمه جوشان برهان و
حجت.

لَا أَبْعَدُ صَوَابَكَ وَلَا
أُنْكِرُ خَطَابَكَ

من صحت گفتار تو را رد
نمی‌کنم و سخنانت را
انکار نمی‌کنم.

هُؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ
بَيْنِي وَبَيْنَكَ

این مسلمانانند که بین
من و تو داورند،

قَلَّدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ

خلافتی را که بر عهده
گرفته‌ام اینها به گردن من
انداخته‌اند،

وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ
أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ

و با اجماع آنها این
منصب را به دست
گرفته‌ام.

غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا
مُسْتَبِدٍّ

نه متکبر بوده‌ام و نه
خودرأیی کرده‌ام،

وَلَا مُسْتَاثِرٍ

و نه خود را بر دیگران
مقدم داشته‌ام،

وَهُمْ بِذَلِكَ شُهِودٌ

و همگی بر این مطلب
گواه و شاهدند.

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان

فَالْتَفَتْتُ فَاطِمَةَ إِلَى
النَّاسِ وَقَالَتْ:

آنگاه فاطمه (س) روی
خود را به طرف مردم
برگرداند،

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ

و فرمود: ای جماعت
مسلمین!

الْمُسْرِعَةِ إِلَى قِيلِ
الْبَاطِلِ

که شتابان به سوی
حرف‌های باطل می‌روید،

الْمُغْضِيَةِ عَلَى الْفَعْلِ
الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ

و بر کارهای زشت و
زیان‌بار چشم می‌پوشید،

أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ آیا در قرآن تدبر نمی‌کنید؟

أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا یا دل‌هایتان قفل خورده و
نمی‌فهمید؟

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ
مِنْ أَعْمَالِكُمْ نه، بلکه دل‌هایتان به
خاطر اعمال ناشایست
زنگار گرفته،

فَاخْذَ بِسَمْعِكُمْ وَ
أَبْصَارِكُمْ و گوش و چشم شما را
بسته و در اختیار گرفته
است.

وَلَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ و چه ناروا تأویل کرده و
چه مصداق بدی مقرر
کرده‌اید،

وَسَاءَ مَا بِهِ آشَرْتُمْ و چه راه بدی را نشان
داده‌اید،

وَشَرَّ مَا مِنْهُ
إِعْتَصُمْتُ و جابجایی و معاوضه
بدی انجام داده‌اید،

لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمَلَهُ
ثَقِيلًا وَغِبَّهُ وَبِيلًا
به خدا سوگند بار آن را
سنگین و عاقبت آن را
ننگین خواهید یافت،

إِذَا كُشِفَ لَكُمْ
الْغِطَاءُ
زمانی که پرده‌ها کنار رود،

وَبَانَ مَا وَرَأَاهُ
الضَّرَاءُ
و زیان‌های ناپیدا پدیدار
گردد،

وَبَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ
و از جانب پروردگارتان برای
شما ظاهر و پیدا شود،

مَا لَمْ تَكُونُوا
تَحْتَسِبُونَ
چیزی را که به فکرتان هم
نمی‌رسید.

وَخَسِرَ هُنَالِكَ
الْمُبْطِلُونَ
و آنجاست که اهل باطل
زیانکار شوند.

غِبُّهُ: عاقبت، سرانجام، وِبِيلًا: پیامد ناگوار

ستایش خداوند یکتا، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا:

۱. ستایش سزاوار خدا است برای نعمت‌هایی که عطا فرمود. و شکر و سپاس سزاوار اوست برای آنچه الهام فرمود. و درودها شایسته اوست برای آنچه از پیش عطا فرمود. از نعمت‌های گسترده‌ای که آغاز نمود، و روزی‌های فراوانی که ارزانی داشت، و عطایای ارزشمندی که پی در پی افزود. فراتر از آنکه شمارش شوند، و ماندگارتر از آنکه قابل بازگشت و جبران باشند. و پایانش، فراتر از آنکه قابل ادراک باشد. و برای ازدیاد نعمت‌ها، آنها را به شکر خویش فراخوانده، و برای تکمیل آنها مردم را به ستایش خود دعوت نموده، و برای بدست آوردن امثال آنها، باز هم تشویق فرموده است.

۲. و شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌شریک نیست. سخنی که مصداق خارجی آن را اخلاص قرار داده، و روح آن را به

قلب‌ها پیوند داده، و ادارک عقلی آن را به روشنی برای عقول میسر کرده. چرا که دیدنش با چشم‌ها غیر ممکن، و بیان اوصافش با زبان، محال، و درک چگونگی او در پندار، ممتنع است.

۳. خداوند اشیاء را تازه آفرید، نه از چیزی که موجود باشد. و ایجادشان کرد، نه با پیروی و تقلید از چیزی. و با قدرت خویش هستی بخشید، و آنها را تکثیر و پراکنده ساخت، آنچنان که خواست. بی آنکه به آفرینش آنها نیازی داشته باشد، یا از صورت‌بندی آنها سودی برده باشد؛ جز آنکه حکمتش را به اثبات رسانده، و مردم را به اطاعت خود توجّه داده باشد، و قدرتش را از این دریچه ظاهر نموده، و زمینه پرستش را برای مخلوقاتش فراهم آورده باشد، و به دعوت پیامبران قوّت بخشیده باشد.

فلسفه ثواب و عقاب:

۴. سپس برای اطاعتش پاداش مقرر فرمود، و برای معصیتش کیفرها وضع نمود؛ تا بندگان را از خشم و عذاب انتقام خود دور کند، و آنها را به

سوی بهشت خودش سوق دهد.

شهادت به رسالت حضرت محمد(ص):

۵. و گواهی می‌دهم که پدرم محمّد، بنده و فرستادهٔ اوست. او را پیش از آنکه او را بفرستد انتخاب کرد، و پیش از آنکه انتخاب کند نشانه کرد، و پیش از آنکه او را به پیامبری برانگیزد گزینش کرد.

۶. در حالی که مخلوقات، هنوز در عالم غیب پنهان بودند، و در پوشش اصلاب و ارحام، محفوظ بودند، و با مرز نیستی همنشین بودند. دلیل انتخاب پیامبر(ص)، علم خداوند متعال به آیندهٔ دوران، و احاطهٔ کامل او به حوادث روزگاران، و شناخت کامل او به مقدرات جهان بود. خداوند پیامبر(ص) را مبعوث فرمود، برای به انجام رساندن برنامه‌اش، و ارادهٔ قطعی بر ابلاغ و اجرای تصمیمش، و عملی کردن مقدرات حتمی‌اش.

وضع مردم قبل و بعد از بعثت:

۷. او مردم را مشاهده کرد، هر فرقه‌ای دینی را

برگزیده، برخی به خلوت نشینی و عبادت در آتشکده‌اند، برخی مشغول پرستش بت‌های تراشیده‌اند، و با اینکه او را به خوبی می‌شناسند، خدا را انکار می‌کنند.

۸. خداوند با نور پدرم محمد، تاریکی‌هایی که حاکم شده بود را زدود، و پرده‌های ابهام را از قلب آنها کنار زد، و تیرگی‌ها را از مقابل چشم‌ها برطرف ساخت، و در میان مردم به هدایت برخاست.

۹. تا اینکه آنها را از گمراهی و خرافات نجات داد، و به جای کوردلی، آنها را روشن بین نمود، و به دین استوار و با قوام هدایت فرمود، و آنها را به راه راست دعوت نمود.

وفات رسول خدا(ص):

۱۰. آنگاه خدا روح او را به سوی خویش کشید، با لطف و محبت، و اختیار و اشتیاق و انتخاب. اکنون محمد(ص) از رنج این دنیا راحت شده، فرشتگان برتر او را در میان گرفته، و رضوان پروردگار آمرزنده او را در بر گرفته، و در همسایگی فرمانروای چیره جای گرفته است. درود خدا بر پدرم،

پیامبر (ص) و امین او، و بهترین مردمان و برگزیده
او، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او.

۱۱. سپس رو به اهل مجلس کرد و فرمود:

شما بندگان خدا، مخاطبان او و امر و نهی او، و
حاملان دین و وحی او، و امانت داران خدا نسبت
به یکدیگر، و رساننده پیام او به امت های دیگر
هستید. پرچمدار و حافظ حق او در میان
شماست، و عهدنامه ای که برایتان فرستاده، و
یادگاری که بر شما حاکم کرده نزد شماست.

۱۲. کتاب گویای خداوند و قرآن راستگو،
نوری تابنده، و روشنائی درخشنده، دلایلش
روشن و اسرار باطنی اش هویدا، زیبایی هایش
جلوه کننده، و رهروانش مورد غبطه، پیروی اش
باعث رسیدن به رضوان الهی است، و نوندگانش
را به راه نجات کشانیده است.

۱۳. از طریق قرآن می توان به حجت های روشن
خدا رسید، و واجباتی که در آن تشریح شده
و محرماتی که منع شده، و دلایل روشنگرانه
و برهان های قانع کننده، و فضائل پسندیده

و رخصت‌ها و مباح‌های مرحمت شده، و دستورات و احکامی که واجب شده را به دست آورد.

اسرار عبادات و احکام دین:

۱۴. خداوند ایمان را مقرر فرمود برای پاکی شما از شرک، و نماز را مقرر فرمود برای دوری شما از کبر و خودخواهی، و زکات را برای پاکیزگی نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تحکیم اخلاص و پایداری، و حج را برای شکوه دین و استواری، و عدالت را برای پیوند قلب‌ها و همبستگی، و اطاعت ما خاندان را برای نظم و هماهنگی، و امامت ما را برای ایمنی از تفرقه و فروپاشی، و جهاد را برای عزّت اسلام و سربلندی قرار داد.

۱۵. و صبر را وسیله‌ای برای شایستگی پاداش الهی، و امر به معروف را برای مصلحت عموم مردم، و نیکی به پدر و مادر را برای جلوگیری از غضب الهی، و صلّه رحم را برای افزایش جمعیت و عمر طولانی، و قصاص را برای حفظ جان و پیشگیری از خون‌ریزی، و وفای به نذر را برای

کسب آمرزش الهی، و کامل دادن پیمانۀ و وزن را برای تغییر روحیۀ کم فروشی، و نهی از شرابخواری را برای دوری از پلیدی، و پرهیز از تهمت را برای دوری از لعنت خداوندی، و ترک دزدی را الزامی برای مصونیت از لغزش قرار داد و شرک را حرام فرمود برای خلوص نسبت به او در ربوبیت.

۱۶. «پس تقوا پیشه کنید، آنگونه که شایستۀ مقام اوست، و از دنیا نروید، جز آنکه تسلیم امر خدا باشید.» و خدا را در آنچه به آن امر و نهی شده اید اطاعت نمایید، چرا که «از میان بندگان خداوند، تنها عالمان در برابر عظمت خدا متواضعند.»

معرفی خود و خدمات پیامبر (ص):

۱۷. آنگاه فرمود: ای مردم! همه بدانید، من فاطمه ام و پدرم محمد است. دوباره هم می گویم، چنانکه در ابتدا هم بیان نمودم، و آنچه را می گویم اشتباه نمی گویم، و در آنچه می کنم راه خطا نمی پویم. «همانا برای شما، پیامبری از میان خودتان آمد، که رنج و محنت شما بر او دشوار، و بر نجات شما مشتاق، و بر مؤمنان،

رئوف و مهربان است». و اگر خاندان و نسب او را جویا شوید و او را بشناسید، می یابید که او پدر من است، نه پدر زنان شما، و برادر پسر عموی من است، نه برادر مردان شما. و چه افتخار و نیکو نسبتی است، نسبت با او.

۱۸. او وظیفهٔ ابلاغ رسالتش را به خوبی انجام داد، آشکارا هشدار می داد، از راه و رسم مشرکین رو می گرداند، با نواختن بر شانه ها، مردم را به پیش می راند، و از مقابل، آنها را می کشید. و با حکمت و اندرز نیکو به سوی پروردگار خود فرا می خواند. بت های سنگی و گلی را می شکست، و اشراف و سران مشرک و متکبر را سر می کوباند، تا اینکه جمع آنها شکست خورد و رو به عقب گریختند، و صبح ایمان، تاریکی کفر را شکافت و سر برآورد، و حقیقت ناب به جلوه درآمد، و زمامدار دین به سخن آمد، و فریادهای شیاطین خاموش گشت، و دورویی و فرومایگی اهل نفاق فرونشست، و همبستگی های کفر و دشمنی و اختلاف به پایان آمد، و زبان به گفتن لا اله الا الله گشودید، و با

نفراتی رنگ پریده و شکم خالی هم زبان شدید.

حقارت مردم قبل از اسلام:

۱۹. و اما پیش از این بر لب پرتگاهی از آتش بودید، همچون جرعه‌ای برای آنها که دنبال نوشیدن‌اند، و فرصتی برای آنها که در طمع شکارند، و پاره آتشی برای آنها که دنبال ربودن آتش‌اند. و لگدکوب هر رونده، نوشنده آبهای آلوده و گندیده، و خورنده گوشت‌های خشکیده، و خوار و حقیر و رانده بودید. و پیوسته از اینکه مردمان غارتگر شما را بربایند می‌ترسیدید. تا اینکه خدای تعالی شما را به وسیله محمد (ص) نجات داد، البته بعد از آن همه خواری و ناتوانی، و بعد از درگیری با مردان بی‌باک و بی‌پروا، و دزدان بدبخت عرب، و متمردین نافرمان یهود و نصارا.

علی (ع) و فداکاری‌های او:

۲۰. هر زمان آتش جنگی افروخته می‌شد، خداوند آن را خاموش می‌کرد. و یا هرگاه شاخ شیطان سر

برمی آورد، و یا فتنه‌ای از سوی مشرکین دهان می‌گشود، پیامبر (ص)، برادرش علی را در دهان معرکه می‌انداخت، و او دست بردار نبود، و سر از پا نمی‌شناخت، تا گوش آنان را کف پایش می‌گذاشت، و آتش فتنه را با آب شمشیرش خاموش می‌ساخت. در راه خدا بسیار سختی کشیده، در امر خدا بسیار کوشیده، مجاور و نزدیک به رسول خدا، سید و سالار و سروری از اولیاء خدا، آستین بالا و آماده، خیرخواه، پرتلاش و کوشنده، و در راه خدا بی‌اعتنا به سرزنش‌ها و ملامت‌ها بود.

سرزنش رفاه‌طلبان و فتنه‌گران:

۲۱. اما شما در رفاه و آسایش زندگی آرمیده، در شادمانی و امنیت با خیال آسوده لم داده، در انتظار دگرگونی روزگار و حوادث ناگوار برای ما نشسته، و گوش به زنگ اخبار بد درباره‌ی ما هستید، و در هنگامه‌ی کارزار، عقب‌نشینی می‌کنید، و از جنگ و جهاد فرار می‌کنید.

ظاهر شدن چهرهٔ نفاق پس از رحلت پیامبر (ص):

۲۲. اما زمانی که خداوند، برای پیامبرش سرای ابدی پیامبران‌ش را اختیار کرد، و آرامگاه همیشگی برگزیدگانش را برای او برگزید، کینه‌های درونی و علائم دورویی شما ظاهر گردید، و جامهٔ دین پوشید و گمراهانِ خشم فرو برده به نطق آمدند، و فرومایگان بی نام و نشان سر بر آوردند و جلو آمدند، و نعرهٔ اهل باطل همچون شتر مست نازپرورده به غُرش آمد، و در صحنهٔ اجتماع شما به حرکت درآمد، و شیطان سرش را از مخفی‌گاهش بیرون کرد، و شما را به سوی خود دعوت کرد، و شما را آمادهٔ پذیرش دعوتش یافت، و شما را برای فریب خوردن آماده دید.

غصب خلافت:

۲۳. و [شیطان] شما را به سوی خود دعوت کرد، و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت، و توجه شما به فریب‌هایش را زیر نظر داشت، آنگاه به تحریک شما برای قیام پرداخت، و شما را سبکبار و آماده تحریک یافت، و شعله‌های خشم و کینه را در

درون شما روشن کرد و آثار غضب را در شما نمایان
 دید، به شتری که از آن شما نبود، علامت نهادید،
 و به آبشخوری که حق شما نبود وارد شدید. (و
 به غضب حکومت پرداختید) و هنوز از رحلت
 پیامبر (ص) چیزی نگذشته بود، و زخم این
 مصیبت هنوز عمیق و باز بود، و جراحات قلبی
 ما التیام نیافته بود، و هنوز پیامبر (ص) به خاک
 سپرده نشده بود، شتاب زده (در تعیین خلیفه)
 هرچه خواستید کردید. ظاهراً نگران هجوم فتنه‌ها
 بودید (فتنه‌ها را بهانه کردید) «بدانید که خود در
 فتنه فرو افتادند، و جهنم بر کافران احاطه دارد.»
 ۲۴. هیئات، از شما چنین انتظاری نبود! شما را چه
 شده؟ و چه می‌کنید؟ کجا؟ و چرا کج راه می‌روید؟
 با اینکه کتاب خدا پیش روی شماست، مطالبش
 نمایان، و احکامش درخشان، و نشانه‌های هدایتش
 تابان، و منهیات آن پیدا و اوامرش هویدا است. اما
 شما آن را پشت سر انداختید! به راستی قصد دوری
 از آن را دارید؟ و به غیر آن حکم می‌کنید؟ چه بد
 است برای ظالمان، آنچه به جای قرآن انتخاب

کردند. «و هرکس غیر از اسلام، راه و رسمی انتخاب کند، قطعاً پذیرفته نخواهد بود، و در آخرت در گروه زیانکاران خواهد بود.»

آری شما سوار بر ناقه خلافت شدید:

۲۵. آنگاه درنگ نکردید، مگر به اندازه‌ای که مرکب خلافت رام شود، و مهار آن و تسلط بر اوضاع آسان شود، دوباره آتش فتنه‌ها را بر افروختید، و شعله‌ها و شراره‌های آن را پیوسته تحریک کردید، و همواره دعوت شیطان فریبکار را اجابت می‌کنید، و به خاموش کردن جلوه‌های انوار دین خدا می‌پردازید، و در عمل به سنت‌های پیامبر (ص) برگزیده اهمال می‌کنید، و یواشکی کاسه شیر را تا آخر سر می‌کشید، به این بهانه که می‌خواهید کف روی شیر را برگیرید. و بر علیه خانواده و فرزندان پیامبر (ص) قدم برمی‌دارید، آرام و مخفیانه، از پشت نهانگاه‌ها، تپه‌ها و انبوه درختان. و باید تحمل کنیم، آنچه از شما بر ماست، که همانند زخم دشنه بر حنجره‌هاست، و سوزش هنگام فرو رفتن نیزه در دل‌هاست.

دادخواهی دربارهٔ غضب فدک در برابر ابوبکر:

۲۶. و اکنون گمان می‌کنید که ارثی برای من نیست، «آیا همان سنت جاهلی را دنبال می‌کنید؟ و چه حکمی از حکم خدا برای اهل یقین بهتر است؟» آیا شما این مسائل را نمی‌دانید؟ البته که می‌دانید! و همانند آفتاب درخشنده برایتان هویدا است که من دختر پیامبر (ص) هستم. ای مسلمانان! سزاوار است ارث من به زور از من گرفته شود؟

۲۷. ای پسر اُبی قحافه، آیا این در کتاب خدا نوشته شده، که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نداشته باشم؟ چه سخن عجیب و بی‌سابقه‌ای به هم بافته‌اید! آیا عمداً کتاب خدا را ترک کرده‌اید، و آن را پشت سر انداخته‌اید؟ قرآن می‌گوید: «سلیمان از داود ارث بُرد» و در داستان زکریا نیز چنین است، آنجا که فرمود: «پروردگارا، مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد.»

۲۸. و در کتاب خدا فرمود: «و خویشاوندان

رحمی، در ارث بعضی بر بعض دیگر سزاوارترند.»
 و فرمود: «خدا شما را به ارث فرزندان سفارش
 می‌کند که پسر دو برابر دختر بهره می‌برد.» و فرمود:
 «اگر مالی باقی بماند، به شایستگی برای پدران
 و مادران و خویشان وصیت شود، که این حقی
 است بر عهده پرهیزگاران.» و شما چنین گمان
 بردید که برای من بهره‌ای نیست، و سهمی از ارث
 پدرم برای من نیست، و نسبت خویشاوندی بین
 ما نیست! آیا خداوند آیه‌ای را مختص به شما
 نازل کرده، و پدرم را از حکم آن خارج کرده؟
 ۲۹. یا اینکه می‌گویید: پیروان دو مذهب از
 یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم از یک دین
 و مذهب نیستیم؟ آیا شما به عام و خاص قرآن از
 پدر و پسر عموی من داناترید؟

عذاب قیامت برای غاصبان:

۳۰. حالا که چنین است، بگیر (ارث من از آن تو)
 همچون شتری مهارزده و آماده استفاده است! اما
 روزی که از خاک برخیزی، تو را ملاقات می‌کند،
 و چه نیکو داوری است در آن روز خداوند، و چه

نیکو پیشوایی است محمد(ص)، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت. و در آن زمان، اهل باطل همگی زیان‌کار باشند، و پشیمانی در آن زمان فایده‌ای ندارد. «و هر خبری که خدا داده زمان وقوعی دارد، و به زودی خواهید فهمید» «که عذاب خوارکننده بر چه کسی فرود آید، و عذاب جاودانه بر چه کسی روا باشد.»

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان:

۳۱. آنگاه به سوی انصار نظر کرد و فرمود: ای بزرگان و سروران امت، و ای بازوان و حامیان ملت، و ای پاسداران و حافظان اسلام! این چه قصور و کوتاهی است در حق من؟ و این چه تسامحی است، نسبت به دادخواهی من؟ آیا پدرم رسول خدا نمی‌فرمود: احترام هرکس در احترام به فرزندانش باقیست؟ چه سریع، اوضاع را دگرگون کردید، و چه زود به آنچه زمانش نرسیده بود اقدام کردید، با اینکه شما توان آنچه را دنبال آن هستم دارید، و قدرت حمایت از خواسته و هدف مرا دارید.

۳۲. آیا می‌گویید: دیگر محمد مرده و همه چیز تمام شده؟ آری، مصیبتی بس بزرگ رخ داده، ضعف و سستی حاصل از آن مصیبت فراگیر شده، و شکافِ ایجاد شده، دامنه‌دار و بازتر شده، و همبستگی ملت به گسستگی تبدیل شده، و در غیبت پیامبر (ص)، تاریکی همه‌جارا فرا گرفته، و خورشید و ماه گرفته و کم فروغ شده، و ستارگان در مصیبت او پراکنده گشته، و آرزوها به نومیدی گراییده، و کوه‌ها سر فرود آورده، و حریم‌ها ضایع و بی‌اعتبار شده، و با رفتن او دیگر حرمتی باقی نمانده است.

۳۳. به خدا سوگند که این است همان فاجعه کبیره، و همان مصیبت عظیمه، که به مانند آن نازل نشده، و بلای جانگدازی در این سرا به پای آن نرسیده است. و البته کتاب خدای جلیل قبلاً از آن خبر داده؛ کتابی که در محضر شماست و هر صبح و شام می‌خوانید، و با صدای بلند و رسا قرائت می‌کنید، یا با لحن خوش تلاوت می‌نمایید، و البته پیش از او نیز برای دیگر انبیای

خدا اتفاق افتاده، حکمی است حتمی و قضائی است قطعی.

۳۴. «محمد، تنها فرستاده خداست، که پیش از وی پیامبران دیگری نیز بوده‌اند، اگر بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ البته هرکس به عقب برگردد، کوچکترین زیانی به خدا نمی‌رساند، و خدا به زودی شاكران را پاداش می‌دهد.»

حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی‌کنید؟

۳۵. هان عجباً! ای فرزندان قیله و گروه انصار! آیا حق من از میراث پدرم ظالمانه از من گرفته می‌شود، در حالی که شما می‌بینید و می‌شنوید؟ و در جلسات و مجامع مخاطب هستید؟ دعوت من شما را فرا می‌گیرد، و خبرها فراگیر است، و نفرت و آمادگی کامل دارید، و ابزار و نیروی کافی در اختیارتان هست، و سلاح جنگی و سپر هم دارید.

۳۶. اما با اینکه به حد کفایت، صدای دعوت به

شما می‌رسد، اجابت نمی‌کنید، و فریاد استغاثه به گوش‌تان می‌رسد و فریادرسی نمی‌کنید. به جنگ‌آوری و بی‌باکی زبانزدید، و به اهل خیر و صلاح معروفید، و برجستگانی هستید که انتخاب شده‌اید، و اهل خیری هستید که برای ما اهل بیت برگزیده شده‌اید، با جماعت عرب پیکار کردید، و متحمل رنج و خستگی زیادی شدید، و با گردنکشان اقوام شاخ به شاخ شدید، و پنجه در پنجه حریفان سرسخت انداختید. تا بود اینگونه بود که باهم حرکت می‌کردیم، ما فرمان می‌دادیم و شما فرمان می‌بردید.

۳۷. تا اینکه آسیای اسلام با محوریت ما به گردش درآمد و چرخید، و شیر پستان روزگار و خیر و برکت به فراوانی رسید، و نعره‌های نخوت‌آمیز شرک، کم‌کم به سردی گرایید، و فوران دروغ و تهمت فروکشید، و آتش کفر به خاموشی گرایید، و دعوت به هرج و مرج و آشوب کم‌کم بیارامید، و نظام دین انسجام یافت و به سر و سامان رسید. چه شد که بعد از روشن شدن حق

چنین حیرانید؟ و پس از آشکار شدن، حقیقت را پوشیده می‌دارید؟ و بعد از پیشقدمی، عقب‌نشینی کردید؟ و بعد از ایمان، راه شرک در پیش گرفتید؟

۳۸. بدا به حال مردمی که بعد از اینکه پیمان بستند سوگندهایشان را شکستند، و در بیرون راندن پیامبر(ص) اهتمام کردند، و نخستین بار، پیکار را آنان شروع نمودند. از آنها می‌ترسید؟ (چرا با آنها مبارزه نمی‌کنید) در حالی که سزاوارتر است که از خدا بترسید، اگر اهل ایمانید.»

۳۹. آگاه باشید، من چنین می‌بینم که شما در راحت طلبی زمین‌گیر شده‌اید. و دور کردید کسی را که سزاوارترین است، به کم و زیاد کردن، و دخل و تصرف و تدبیر امور، و در گوشهٔ فراغت به آرامش روی آورده‌اید، و خود را از فقر و تنگنا، به گشایش رسانده‌اید. نتیجه آنکه، بیرون انداختید آنچه را فراگرفته بودید، و بالا آوردید آنچه را به گوارایی فروبرده بودید. «پس اگر شما و هرکس در روی زمین است کافر شود، خدا از همگان بی‌نیاز

و ستودنی است.»

۴۰. آگاه باشید، آنچه لازم بود بگویم را گفتم، با اینکه شما را می‌شناسم و می‌دانم که یاری نکردن، آمیخته با سرشت شماست، تنها گذاشتن و وفا نکردن، فراگیر قلوب شماست. ولی این شکوه‌ها سرریز اندوه و نگرانی‌های متراکم بود، و آه دلی خشمگین و برافروخته، و سستی و ناتوانی حامیانی برای تکیه، و بروز غصه‌های انباشته و نهفته در سینه، و اتمام حجتی برای همه.

هشدار به غاصبین خلافت:

۴۱. حالا دیگر (خلافت) برای شما، آنها را بگیرید. اینک تنگ بیندید پالان این ناقه را، که پشت او زخم دیده، پایش تاول زده و ساییده (و قابل سواری نیست)، و ننگ آن باقی است، و داغ غضب خدای توانا برای او نشانه است، و رسوایی و بدنامی او همیشگی و ابدی است، و سرانجام به آتش برافروخته الهی خواهد رسید؛ آتشی که بر دل‌ها شعله خواهد کشید. آنچه می‌کنید پیش چشم خداست، «و آنانکه ستم کردند به زودی

می‌دانند که بازگشتشان به کجاست.» و منم دختر پیامبری که به عذاب سختی که پیش روی شما است هشدار می‌داد. پس هرچه می‌خواهید بکنید، ما نیز به کار خود هستیم، و منتظر باشید که ما هم در انتظاریم.

پاسخ ابوبکر:

۴۲. ابوبکر گفت: خدا و پیامبرش راست گفته و دختر او هم راست گفته، معدن حکمتی و کانون هدایت و رحمت، و رکن دین و شریعت، و چشمه جوشان برهان و حجت. من صحت گفتار تو را رد نمی‌کنم و سخنان را انکار نمی‌کنم. این مسلمانانند که بین من و تو داورند، خلافتی را که بر عهده گرفته‌ام اینها به گردن من انداخته‌اند، و با اجماع آنها این منصب را به دست گرفته‌ام. نه متکبر بوده‌ام و نه خودرایی کرده‌ام، و نه خود را بر دیگران مقدم داشته‌ام، و همگی بر این مطلب گواه و شاهدند.

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان:

۴۳. آنگاه فاطمه (س) روی خود را به طرف مردم برگرداند، و فرمود: ای جماعت مسلمین! که شتابان به سوی حرف‌های باطل می‌روید، و بر کارهای زشت و زیان‌بار چشم می‌پوشید، آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنید؟ یا دل‌هایتان قفل خورده و نمی‌فهمید؟ نه، بلکه دل‌هایتان به خاطر اعمال ناشایست زنگار گرفته، و گوش و چشم شما را بسته و در اختیار گرفته است. و چه ناروا تأویل کرده و چه مصداق بدی مقرر کرده‌اید، و چه راه بدی را نشان داده‌اید، و جابجایی و معاوضه بدی انجام داده‌اید.

۴۴. به خدا سوگند بار آن را سنگین و عاقبت آن را ننگین خواهید یافت، زمانی که پرده‌ها کنار رود، و زیان‌های ناپیدا پدیدار گردد، و از جانب پروردگارتان برای شما ظاهر و پیدا شود، چیزی را که به فکرتان هم نمی‌رسید. و آنجاست که اهل باطل زیانکار شوند.

ستایش خداوند یکتا، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا:

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَالشَّانُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَسُبُوغِ آيَةٍ أَسَدَاها، وَتَمَامِ مِنْنِ الْإِلَها، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُها، وَنَأَى عَنِ الْجَزْأِ أَمْدُها، وَتَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُها، وَنَدَبُهُمْ لِاسْتِزَادَتِها بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِها، وَاسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِها، وَثَنَى بِالنَّدَبِ إِلَى أَمْثَالِها.

۲. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَها، وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَها، وَأَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَها، أَلْمُتَنِعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَاهُ، وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.

۳. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَها، وَأَنْشَأَهَا بِلاَحْتِذاءِ أَمْثَلَةٍ أَمْثَلِها. كَوْنُها بِقُدْرَتِهِ، وَذَرَأَها

بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَايِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ، وَتَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، وَتَعَبُّدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَاعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ.

فلسفة ثواب وعقاب:

٤. ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، زِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ، وَحِيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

شهادات به رسالت حضرت محمد (ص):

٥. وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ، وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ.

٦. إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَبِسِرِّ الْأَهَاوِيلِ مَصُونَةٌ، وَبِنِهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عَلِمَاً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ، ابْتَعَثَهُ اللَّهُ اِثْمَاماً لِأَمْرِهِ، وَ

عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَإِنْفَاذاً لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ

وضع مردم قبل و بعد از بعثت:

٧. فرَأَى الْأُمَمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكَّفًا عَلَى نِيرَانِهَا،
عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا.

٨. فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ظُلْمَهَا، وَكَشَفَ عَنِ
الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَمَهَا.

٩. وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ،
وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ، وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ،
وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.

وفات رسول خدا(ص):

١٠. ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، قَبْضَ رَافَةٍ وَاخْتِيَارٍ، وَرَغْبَةٍ
وَإِثَارٍ، فَمُحَمَّدٌ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ
حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَرِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ
مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي، نَبِيِّهِ وَ
أَمِينِهِ، وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَصَفِيِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

قرآن میراث پیامبر (ص) در میان امت:

۱۱. ثُمَّ التَّفَتُّ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَقَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ، نُصِبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ، وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، وَزَعِيمُ حَقِّ لَهُ فِيكُمْ، وَعَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ، وَبَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ.

۱۲. كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ، وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ إِتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ.

۱۳. بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَعَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ وَمَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَرُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.

اسرار عبادات و احكام دين:

۱۴. فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ، تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ

الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً
لِلنَّفْسِ وَنِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصَّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ،
وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ
طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَالْجِهَادَ
عِزّاً لِلْإِسْلَامِ.

١٥. وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَالْأَمَرَ
بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ
السَّخَطِ، وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَاءً فِي الْعُمْرِ وَمَنْمَاءً
لِلْعَدَدِ، وَالْقِصَاصَ حَقّاً لِلدِّمَاءِ، وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ
تَعْرِضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَتَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينِ
تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ، وَالنَّهْيَ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً
عَنِ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ،
وَتَرْكَ السَّرْقَةِ إِيْجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَحَرَمَ اللَّهِ الشِّرْكَ
إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

١٦. «فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ
مُسْلِمُونَ»، وَأَطِيعُوا اللَّهَ، فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ

عَنْهُ، فَإِنَّهُ، «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ، الْعُلَمَاءُ».

معرفى خود و خدمات پیامبر (ص):

١٧. ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَبَدْءًا، وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلْطًا، وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا، «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ». فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَتَعْرِفُوهُ، تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمَ الْمَعْزِي إِلَى اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

١٨. فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ، صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ، مَا يَلَاغُنْ مَدْرَجَةَ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا ثَبَجَهُمْ، آخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ، بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ، وَيَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ، وَوَلَّوْا الدُّبُرَ، وَتَفَرَّقَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَاسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ وَشِيطُ الْبِفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عُقْدُ

الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ، فِي نَفْرِ
مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ.

حقارت مردم قبل از اسلام:

١٩. وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ،
وَنُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَقَبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَمَوْطِئَ الْأَقْدَامِ،
تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَذِلَّةَ خَاسِئِينَ،
تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ،
فَانْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ، بَعْدَ اللَّتَا
وَالَّتِي، وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالِ، وَذُوبَانِ الْعَرَبِ،
وَمَرَدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ.

علی (ع) وفداکاری های او:

٢٠. كُلُّمَا أَوْقَدُوا نَاراً لِلْحَرْبِ، أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ
قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ
أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِيءُ حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا
بِأَحْمَصِهِ، وَيُخَمِّدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ
اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ،

سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمِرًا، نَاصِحًا مُجِدًّا كَادِحًا، لَا
تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ.

سرزنش رفاہ طلبان و فتنہ گران:

۲۱. وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَاكِهُونَ
أَمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ
تَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ.

ظاهر شدن چہرہ نفاق پس از رحلت پیامبر (ص):

۲۲. فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى
أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلِ
جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَغَ
خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي
عَرَصَاتِكُمْ، وَأَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ،
هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ
لِلْغَرَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ.

غصب خلافت:

۲۳. ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ [الشيطان]، فَوَجَدَكُمْ خِفَافاً،
وَ اَحْمَشَكُمْ، فَالْفَاكُمْ غِضَاباً، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ
اِبِلِكُمْ، وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِبِكُمْ، هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ،
وَالْكَلَمُ رَحِيبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا
يُقْبَرُ، اِبْتِدَاراً، زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، «الَا فِي الْفِتْنَةِ
سَقَطُوا، وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه/۴۹).
۲۴. فَهَيَّاهُتْ مِنْكُمْ، وَكَيْفَ بِكُمْ، وَاَنَّى تُؤْفَكُونَ،
وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ اَظْهَرِكُمْ، اُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَاحْكَامُهُ
زَاهِرَةٌ، وَاعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَزَوَاجِرُهُ لَا تُحِجُّهُ، وَآوَامِرُهُ
وَاضِحَةٌ، وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، اَرْغَبَةٌ عَنْهُ
تُرِيدُونَ اَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، «وَ
مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِينًا، فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي
الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ» (آل عمران/۸۵).

آری شما سوار بر ناقه خلافت شدید:

۲۵. ثُمَّ لَمْ تَلْبَسُوا اِلَّا رِيثًا، اَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتُهَا،

وَيَسْلَسَ قِيَادُهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُرُونَكُمْ وَقَدَّتْهَا، وَ
 تَهَيَّجُونَ جَمَرَتَهَا، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ
 الْغَوِيِّ، وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَاهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ
 الصَّافِيِّ، تُسِرُّونَ حَسَوًّا فِي ارْتِغَاءٍ، وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ
 وَلَدِهِ، فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ، وَنَصَبِ مَنْكُمْ، عَلَى مِثْلِ
 حَزْرِ الْمُدَى، وَوُخْزِ السِّنَانِ فِي الْحَشَا.

دادخواهی درباره غصب فدک در برابر ابوبکر:

۲۶. وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ، أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا، أَفَحُكْمَ
 الْجَاهِلِيَّةِ تَبْغُونَ، وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ
 يُوقِنُونَ أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى، قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ
 الصَّاحِيَةِ، أَنِّي ابْنَتْهُ. أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَاغْلَبُ عَلَى
 إِرْثِي؟

۲۷. يَا بَنَ أَبَى قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ، أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ،
 وَلَا إِرْثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلَى عَمْدٍ
 تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ، وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ:
 «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»، وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ

زَكَرِيَّا، إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا، يَرِثُنِي وَ
يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»

٢٨. وقال: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ، بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي
كِتَابِ اللَّهِ»، وَقَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ،
لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ»، وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا،
الْوَصِيَّةُ لِلْوَالدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ، حَقًّا عَلَى
الْمُتَّقِينَ». وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حُظُوةَ لِي، وَلَا أَرِثَ مِنْ
أَبِي، وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ، أَخْرَجَ أَبِي
مِنْهَا؟

٢٩. أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ الْمِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ
لَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ
بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟

عذاب قيامت برای غاصبان:

٣٠. فَدُونَكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ، تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ،
فَنِعْمَ الْحَكَمُ اللَّهُ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ،
وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ

تَدْمُونَ، «وَلِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ»، وَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ، «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ».

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان:

۳۱. ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَتْ: يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ، وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ، وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي، وَالسِّنَّةُ عَنْ ظِلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَبِي يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ، سَرْعَانَ مَا أَحَدَثْتُمْ، وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ، وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاطُوا، وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلَبُوا وَأَزَاوَلُوا.

۳۲. أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ؟ فَخَطَبُ جَلِيلٍ، اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ، وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ، وَأُظْلِمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَانْتَشَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَاكْثَدَتِ الْأُمَالُ، وَخَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَأَضِيعَ الْحَرِيمُ، وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ.

۳۳. فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى، وَالْمُصِيبَةُ

الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا نَازِلَةً، وَلَا بَائِقَةً عَاجِلَةً، أَعْلَنَ
 بِهَا كِتَابُ اللَّهِ، حَلَّ ثَنَاؤُهُ، فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَ فِي
 مُمَسَاكُكُمْ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتِفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ
 هُتَافاً وَ صُرَاخاً، وَ تِلَاوَةً وَ الْحَانَا، وَ لَقَبْلَهُ، مَا حَلَّ
 بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمُ فَصْلٍ، وَ قَضَاءُ حَتْمٍ.
 ٣٤. «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ، قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ
 الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ،
 وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ، فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً، وَ
 سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران/١٤٦)

**حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت
 نمی کنید؟**

٣٥. إِيَّهَا بَنِي قَيْلَةَ! أَأَهْضَمُ ثَرَاثُ أَبِي، وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى
 مِنِّي، وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ،
 وَ تَشْمَلُكُمْ الْخَبَرَةُ، وَأَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ، وَ الْأَدَاةِ
 وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ.
 ٣٦. تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ، فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ

الصَّرْحَةُ، فَلَا تُغِيثُونَ، وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ،
 مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَالنُّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبَتْ،
 وَالْخَيْرَةُ الَّتِي، اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَاتَلْتُمْ
 الْعَرَبَ، وَتَحَمَّلْتُمْ الْكَدَّ وَالْتَّعَبَ، وَنَاطَحْتُمْ الْأُمَمَ،
 وَكَافَحْتُمْ الْبُهْمَ، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ
 فَتَأْتِمِرُونَ.

٣٧. حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَدَرَّ حَلَبُ
 الْأَيَّامِ، وَخَضَعَتْ نَعْرَةُ الشَّرِكِ، وَسَكَتَتْ فَوْرَةُ
 الْإِفْكِ، وَخَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَهَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ،
 وَاسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حُرْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ،
 وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ،
 وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟

٣٨. بُؤْسًا لِقَوْمٍ «نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ، مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ،
 وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ، وَهُمْ بَدُوؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ،
 اتَّخَشَوْنَهُمْ، فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ، إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

٣٩. أَلَا، وَقَدْ أَرَى، أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفِضِ، وَأَبْعَدْتُمْ

مَنْ هُوَ أَحَقُّ، بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، وَخَلُوتُمْ بِالِدَّعَةِ، وَ
نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَّجْتُمْ، مَا وَعَيْتُمْ، وَ
دَسَعْتُمْ، الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ، «فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ جَمِيعاً، فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ.» (ابراهيم ٨)

٤٠. أَلَا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا، عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي،
بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ، وَالْغَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشْعَرْتَهَا
قُلُوبُكُمْ، وَلَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَنَفْثَةُ الْغَيْظِ، وَ
خَوْرُ الْقَنَاءِ، وَبَثَّةُ الصَّدْرِ، وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ.

هشدار به غاصبین خلافت:

٤١. فَدُونَكُمْوَهَا، فَاحْتَقِبُوهَا، دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقَبَةَ
الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَغْضِبِ الْجَبَّارِ، وَشَنَارِ
الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ، الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى
الْأَقْيَدَةِ. فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ
ظَلَمُوا أَيْ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء ٢٢٧) وَأَنَا ابْنَةُ
نَذِيرٍ لَكُمْ، بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا
عَامِلُونَ، وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.

پاسخ ابوبکر:

٤٢. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَتْ
إِبْنَتُهُ، مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ، وَ
رُكْنُ الدِّينِ، وَعَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعَدُ صَوَابَكَ وَلَا أَنْكِرُ
خِطَابَكَ، هُوَ لَا إِيَّ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، قَلَّدُونِي،
مَا تَقَلَّدْتُ، وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ
مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدٍّ وَلَا مُسْتَاثِرٍ، وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان:

٤٣. فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، إِلَى النَّاسِ،
وَقَالَتْ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ، الْمُسْرِعَةِ إِلَى قِيلِ
الْبَاطِلِ، الْمَغْضِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا
تَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ
رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَآخَذَ
بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ، وَلَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَسَاءَ مَا
بِهِ أَشْرْتُمْ، وَشَرَّ مَا مِنْهُ إِعْتَضْتُمْ.

٤٤. لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ، مَحْمَلَهُ ثَقِيلاً، وَغِبَّهُ وَبِيلاً، إِذَا

كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَبَدَا
لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ، مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَخَسِرَ
هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ.